

معرفی و بررسی نسخه خطی

«دررالاخبار و جواهرالآثار»

و تصحیح منتخبی از آن

■ علی عسگری یزدی
دانشیار دانشگاه تهران



■ علی قنبریان
پژوهشگر پسادکتری
دانشگاه تهران فلسفه اخلاق

■ چکیده

از دانشمندان شیعی فعال در عرصه پژوهش و نویسندگی، علامه محمداکرم هزارجریبی است. وی در اواخر دوره زندیان (۱۱۶۳-۱۲۰۹ق) و اوایل پادشاهی قاجار (۱۲۰۹-۱۳۴۴ق) می‌زیست. یکی از آثار او، «دررالاخبار و جواهرالآثار» است که در آن احادیث کاربردی را انتخاب و ترجمه کرده است. در این مقاله، دو نسخه خطی از رساله مذکور تبیین و بررسی و بخشی از آن تصحیح و احیا شده است. از آن‌جاکه زمان زیست نویسنده در دوره زند و قاجار بوده است، تصحیح و ترمیم چنین دست‌نوشته‌هایی علاوه بر آن‌که معارف اسلامی را در میان مسلمانان و به‌ویژه شیعیان ترویج می‌کند، متون آن زمان را نیز می‌شناساند. البته لازم است ذکر شود که نویسنده (علامه هزارجریبی) سال‌های متمادی در کربلا و احتمالاً در دیگر شهرهای عراق ساکن بوده، و همین سبب شده که در موارد متعددی، از واژگان زبان عربی استفاده کند و دستور زبان آن‌ها را به‌کار برد. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و از روش تبیینی. تحلیلی پردازش اطلاعات انجام شده است. ارجاعات به‌گونه برون‌متنی / پاورقی (شیوه‌نامه دانشگاه شیکاگو / the Chicag manual of style) می‌باشد. این مقاله به دو بخش تقسیم شده است. بخش اول معرفی و بررسی نسخه خطی «دررالاخبار و جواهرالآثار» بخش دوم: تصحیح منتخبی از رساله «دررالاخبار و جواهرالآثار» واژگان کلیدی: محمداکرم هزارجریبی، نسخه خطی، تصحیح و احیاء متون، احادیث.

■ بخش اول: معرفی و بررسی نسخه خطی «درالخبار و جواهرالآثار»

مقاله حاضر معرفی و متن مصحح و ترمیم‌شده‌ی یکی از آثار مرحوم علامه محمداکظم هزارجریبی، با عنوان «درالخبار و جواهرالآثار»، شامل بیش از سه هزار بیت است.^۱

دو نسخه از رساله مذکور شناسایی شده است: نسخه الف) موجود در کتابخانه مجلس، به شماره بازیابی: ۴۵۲۷/۱۴، فارسی، عنوان و نام پدیدآور: درالخبار و جواهرالآثار / محمداکظم بن محمدشفیع هزارجریبی، محل کتابت: کربلا، کاتب: شیخ محمد ارومی الاصل، تاریخ کتابت: سه شنبه ماه رجب ۱۳۳۵ ق، گ ۲۰۱ پ - ۲۷۱ پ، آغاز: «الحمد لله رب العالمین... اما بعد چنین گوید بنده خاکی محمداکظم بن محمدشفیع هزارجریبی

که این رساله‌ای است مشتمل بر جمله‌ای از اخبار نافعہ متفرقه»، انجام: «و یضعه فی الآخرة. المرأة شر کلها و شر منها انه لا بد منها. قد تم الكتاب بعون الملك الوهاب»، نوع خط: نسخ^۲، به‌خاطر این‌که این نسخه، خوش خط بوده و فاقد افتادگی و پیوستگی است و مهم‌تر این‌که در انتهای آن مهر نویسنده (علامه هزارجریبی) نقش شده که حاکی از تأیید نویسنده است، در تصحیح متن از این نسخه استفاده شده است.

در انتهای این نسخه، کاتب اطلاعاتی به‌دست می‌دهد: «قد تم الكتاب بعون الملك الوهاب بيد الحقیق الفقیر ابن شیخ محمد ارومی الاصل ساکن فی کربلاء فی یوم الثلاثاء فی شهر رجب المرجب سنة ۱۳۳۵ م م م: استنساخ کتاب به‌دست ابن شیخ محمد ارومی الاصل ساکن کربلا، در روز سه شنبه ماه رجب سال ۱۳۳۵ به اتمام رسیده و ممکن است استنساخ زیرنظر هزارجریبی صورت گرفته باشد؛ چون در تاریخ مذکور هزارجریبی زنده بوده است.

نسخه ب) موجود در کتابخانه مجلس، به شماره بازیابی: ۱۳۵۷۱/۵، ۱۳۱-۱۶۶، زبان اثر: فارسی، عنوان: درالخبار، تاریخ کتابت: قرن ۱۳، خط: نسخ^۳.

در ابتدای نسخه دوم چنین آمده است: «بدانکه این چند، احادیث منتخبه است که از کتاب درالخبار ملا محمداکظم قدس سره». از این عبارت دانسته می‌شود که در این نسخه تمامی متن درالخبار نیامده است. بلکه کاتب یا شخص دیگری، کتاب را تلخیص و احادیثی را که به نظرش، مناسب‌تر است، انتخاب کرده است. همان‌طور که تعداد تصاویر نسخه‌ها مؤید است؛ زیرا تصاویر نسخه اول، ۷۲ عدد و تصاویر نسخه دوم، ۳۳ عدد است یعنی کمتر از نصف. البته با بررسی انجام‌شده، مشخص شد که نسخه دوم تقریباً شامل نیمه دوم نسخه اول است. بنابراین، انتخابی صورت گرفته نشده است. فقط نیمه دوم رساله نگاشته شده است. هم‌چنین در انتهای نسخه اول، چندین صفحه احادیث عربی است و نسخه دوم فاقد متن عربی است.

در انتهای نسخه دوم چنین آمده است: «تمت الكتاب درالخبار من تألیفات مولانا آخوند ملا محمداکظم هزارجریبی سنة ۱۳۴۰». عنوان‌گذاری کتاب از سوی مصححان است.

صفحه اول نسخه خطی درالخبار و جواهرالآثار

شماره بازیابی: ۱۳۵۷۱/۵، کتابخانه مجلس

جناب پیغمبر فرمود که هر که مؤمن را خوشحال سازد مرا خوشحال ساخته و هر که
مرا خوشحال سازد خدا را خوشحال نموده ۳۳ حضرت امام علی علیه السلام فرمود که
اجتنب من یزعم ان الله کما یرکب که از برادر مؤمن خود بپوشد پس در این حال
کی که بزیاده باشد و دانش کند اینجاست که هر کس نفس می‌کند در آفته ۳۳ حضرت
صادق علیه السلام فرمود که سب خوش طایفه است و خوش یعنی است و از نادانی
روزی منسوب از نادانی عمر ۳۵ حضرت علی علیه السلام فرمود که هر روز در نان
خاک بماند و خوابیدن در میان کجای جمع خبر رسیدی است با وجه عاقبت
و حق برتر و صادق است ۳۶ حضرت صادق علیه السلام فرمود که باصلاح غلبه سال
سلمان مکرر بخیر دانایان در حق و دانایان در امر نیست و از نادانی
دور کردن بر عاقلان ۳۷ حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که هر قاسم برای
بر کسی سیاه روی کند ایکنه غیر نفوذ ۳۸ جناب جناب فرمود در شخصیت
که هر که ملاقات کند خدا را با نماند داخل بهشت می‌شود از برادری که هر که
که فتنه می‌کند مردم و برتر از خدا در پنهانی و شکاک و ترک نماز و نماز
هر چند حق باشد ۳۹ حضرت صادق علیه السلام فرمود که دعا کننده و آئین گوهر
در زان برکتی و تقوی و فیما بین است ۴۰ فرموده اند که هر که امری
دینی مکرر می‌کند یا آورده باشد و در روز جزا بزرگوار و بزرگوار بزرگوار
این در حجاب داخل بهشت غیر شرف خواهد شد غم نیست این
بدانکه این چند احادیث منتخبه است که از کتاب درالخبار ملا محمد
کاظم گلستان



صفحه اول نسخه خطی در راخبار و جواهر الآثار

شماره پایانی: ۴۵۲۷/۱۴، کتابخانه مجلس

■ نکاتی درباره کیفیت تصحیح

۱. در تصحیح رساله، رسم الخط و املاي امروزین لحاظ گردید. بنابراین «کراهه»، «داود»، «مناجاة»، «نیة»، «چه قدر»، «مفاجاة»، «توریه»، «به بند»، «نه باشد»، و «به پرهیز» به صورت «کراهت»، «داوود»، «مناجات»، «نیت»، «چقدر»، «مفاجات»، «تورات»، «ببند»، «نباشد»، و «بپرهیز» نگاشته شد.

۲. کلیه ضوابط و قواعد مربوط به ویرایش صوری (فنی) و زبانی (محتوایی) در کتاب، مدنظر بوده و رعایت شده است و تا جایی انجام اصلاحات پیش گفته انجام شده است که روا بوده و خللی به سبک نگارشی نویسنده وارد نکرده است. متن هزارجریبی رنگ و بوی دوران قاجار دارد و اعمال برخی از ضوابط ویرایش زبانی، سبک آن را ناقص و نارسا و امروزین می کند.

۳. در املاي الفاظ، از مصوّبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی تبعیت شد. مثلاً در نسخه خطی، «نشاء» نوشته شده بود که صورت صحیح آن، یعنی «نشئه» نوشته شد. مصوّبات در دو کتاب ذیل ذکر شده است. مشخصات کتاب شناسی آن ها عبارت است از:

الف) فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دستور خط فارسی، ۱۳۹۴، مصوّب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار)، چ سیزدهم. ب) صادقی، علی اشرف و زندی مقدم، زهرا، ۱۳۹۴، فرهنگ املاي خط فارسی براساس دستور خط فارسی مصوّب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، نشر آثار، چ هفتم. در مواردی که واژه ای در هیچ کدام از دو منبع فوق نیامده است، از کتاب مبسوط و پیرا برد، «فرهنگ بزرگ سخن» استفاده شد: انوری، حسن، ۱۳۸۲ش، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، نشر سخن، چ دوم.

۴. «چنان که» و «چنانچه» را نباید در معنای یکدیگر به کار برد. «چنان که» حرف ربط مرکب است و هم معنا با «به طوری که» و «همان طور که». اما «چنانچه»، جانشین «اگر» است و معنای شرطی دارد.^۴

در متن نسخه، گاهی این دو کلمه، به اشتباه، جای یکدیگر به کار برده شده بود، ما صحیح آن را نگاشتیم. ۵. متن رساله مملوّ از احادیث است. برای آن که متن احادیث خلط و اشتباه نشود و خواننده متوجه آغاز روایات باشد، متن هر روایت از سر خط شروع شد.

۷. در متن رساله، برخی مواقع با حذف حروفی، دو کلمه در هم ادغام شده اند؛ مانند: «آست». در این گونه موارد برای حفظ حالت رسمی نوشتار و رعایت اصل یکدستی (وحدت رویه)، موارد ادغام شده، به صورت کامل نگاشته شد؛ مانند: «آن است». ۸. «است» فعل اسنادی محسوب می شود و میان دو مورد نسبتی به وجود می آورد و رابطه ایجاد می کند. وقتی دو کلمه (صفت و موصوف) را می خواهیم به هم ربط دهیم از «است» استفاده می کنیم و به آن فعل ربطی (اسنادی) گویند، اما «هست» به معنای «وجود داشتن / بودن» است؛ «حالش خوب است»؛^۵ «دو کمد در اتاق هست». لازم نیست «هست» با مسند و مسند الیه آید و خود «هست» فعلی است و درون مایه اش از «است» پُرتر است. «هست» برخی مواقع به جای «است» به کار می رود که در این صورت تأکید را می رساند.^۶

در متن رساله، گاهی بین این دو کلمه خلط شده بود و موارد استعمال آن ها رعایت نشده بود. در این موارد، صورت صحیح جایگزین و در پاورقی گزارش داده شده است.

۹. نویسنده (علامه هزارجریبی)، از تیترو عنوان «خصلت» برای رساله استفاده کرده است؛ مانند: خصلت دهم. البته مرتب و به ترتیب نیست. احادیثی که در ذیل عناوین آمده، دارای وحدت موضوع نیستند و عنوان‌گذاری و تیتربندی نویسنده مبهم است. شاید کاتب مستقلاً این کار را انجام داده باشد. از آن‌جا که رساله فاقد عنوان‌گذاری اصولی و حرفه‌ای بود، به این امر اقدام شد (از طرف مصححان)؛ گرچه به‌خاطر متفاوت بودن موضوع احادیث این کار، دقیق و منسجم نبود.

۱۱. در انتهای نسخه الف متن عربی آمده است که حدیثی از پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) است. از آن‌جا که متن رساله فارسی است، متن عربی را در مقاله حاضر نگنجاندیم.

۱۲. در انتهای نسخه الف نقش مهر هزارجریبی آمده است. ظاهراً هزارجریبی نسخه کاتب را دیده و با مهر شخصی خویش آن را تأیید کرده است.

سجع مهر مربع‌شکل:

«بندۀ آل محمد کاظم» نقر مهر (سالی که مهر ساخته شده است)، ذکر نشده است.



■ بخش دوم: تصحیح منتخبی از رساله «درالآخبار و جواهرالآثار»

مقدمه نویسنده

و به نستعین

هذا کتاب آخوند ملا کاظم مسمی بدرالآخبار و جواهر الآثار

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ

عَلَى أَغْدَائِهِمْ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

اقا بعد: چنین گوید بنده خاطی، محمّد کاظم بن محمّد شفیع هزارجریبی عفی‌الله عن جرائمه‌ها که این رساله‌ایست مشتمل بر جمله از اخبار نافع متفرقه و محتویست بر جمله از اخبار شریفه و فوائد لطیفه. و در این رساله مذکور است بسیاری از خصال ممدوحه نافع و بسیاری از خصال مذمومه مضره. و در این رساله ایراد نموده‌ام وصیت طولانی که حضرت رسول (ص) به حضرت امیرالمؤمنین (ع) کرده است. بدانکه اخباری که در این رساله ایراد نموده‌ام بهتر است از درِ یاقوت و سایر جواهر گران بها بلکه عمل کردن به آن‌ها و متّصف شدن به مضامین ممدوحه در آن‌ها باعث روشنی چشم و کمال دین و حیات دل و حیات روح می‌گردد به حیات دائمی که مرگ و زوال برای آن حیات نباشد و این در اخبار انیس‌اند در خلوت‌ها و معین و یاورند در شدت‌ها و قائد و راهنمایند به جوار رحمت علی‌اعلی و مرافقت انبیا و اوصیا (س) و این چنین گنج نافع و نور لامع را هرگز از خود دور مگردان بلکه برای حیات روح خود، آن را غنیمت شمار و بذلش را از اهل آن دریغ مدار و آن را به «درالآخبار» مسما گردانیدم و از ناظران توقع دارم که به چشم عیب در آن نظر نفرمایند و اگر غلطی در آن یابند به قلم عفو آن را اصلاح فرمایند و این ناقابل حقیر سر و پا تقصیر را با والدینم به دعای خیر و طلب مغفرت یاد نمایند. والله المستعان و هو حسبی و نعم الوکیل.^۷

■ ۱. تاریک شدن قلب با تکرار گناه

محمّد بن یعقوب کلینی (رضی‌الله) به سند معتبر از زراره روایت کرده است که گفت حضرت امام محمّد باقر (ع) فرموده است که هیچ بنده‌ای نیست مگر آنکه در دل او نقطه ۸ سفیدی هست پس وقتی که گناهی کند نقطه سیاهی در میان آن نقطه سفید به هم می‌رسد. پس اگر توبه کرد آن نقطه سیاهی می‌رود و اگر از آن گناه توبه نکرد و گناه دیگر کرد، آن سیاهی زیاد می‌شود تا آنکه آن سفیدی را می‌پوشاند. پس وقتی که آن سفیدی و نور را فراگیرد صاحب آن دل دیگر هرگز به‌سوی خیر و نیکی برنگردد و به این اشاره است قول حق تعالی که فرموده است: {كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ}؛ یعنی حاشا که کافران ایمان بی‌آورند

بلکه چرک و سیاه شده است دل‌های ایشان به آنچه کسب کردند از گناهان. و ایضاً به سند معتبر از ابوبصیر روایت کرده است که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق (ع) که می‌فرمود: مرد وقتی گناهی کند در دل او نقطه سیاهی بیرون آید. پس اگر توبه کند آن نقطه محو گردد و اگر گناه را زیاد کند، آن نقطه زیاد گردد تا آنکه بر دل او غالب گردد. پس بعد از آن دیگر هرگز رستگار نگردد.

و ایضاً به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است که گفت پدرم می‌فرمود که هیچ چیز نیست فاسدتر و بدتر باشد از برای دل آدمی از گناه. به درستی که گناه در دل واقع می‌شود پیوسته تا آنکه بر آن دل غالب می‌شود. پس بالای آن دل پایین آن می‌گردد یعنی منکوس می‌گردد.

و ایضاً به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت کرده است که گفت حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمود که باید دندان را به خنده نگشاید کسی که اعمال رسواکننده و گناه به جا آورده باشد و ایمن نیست از شبیخون ۱۰ عذاب کسی که گناهان به جا آورده باشد.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق (ع) همیشه می‌فرمود: «نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ سَطَوَاتِ اللّٰهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» ۱۱ یعنی پناه می‌برم به خدا از سطوات ۱۲ و عذاب او در شب و روز. راوی گفت که چه چیز است سطوات خدا؟ فرمود که آن گرفتن اوست، آدمی را بر معاصی.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است از زراره که گفت حضرت امام محمّد باقر (ع) می‌فرمود که گناهان همه شدید است و شدیدتر از همه آن است که گوشت و خون کسی به آن روییده باشد و پرورش یافته باشد؛ یعنی از لقمه‌های حرام نشو و نما کرده باشد زیرا که صاحب چنین گناه یا مرحوم است یا معذب. داخل بهشت نمی‌شود مگر کسی که پاک باشد یعنی اگر آمرزیده هم گردد باز او را عذاب کنند.

۲. انواع کبائر

و ایضاً به سند معتبر از محمّد بن مسلم روایت کرده است که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق (ع) می‌فرمود: کبائر هفت است: کشتن مؤمن است از روی عمد؛ و اسناد زنا است به زن شوهردار؛ و گریختن است از جنگ واجب؛ و تعزّب است بعد از هجرت؛ و خوردن مال یتیم است از روی ظلم؛ و خوردن ربا است بعد از بیّنه و وضوح؛ و دیگر از کبائر، هر گناهی است که خداوند عالم، کننده آن را در قرآن توعید آتش کرده باشد.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است که عمرو بن عبید به خدمت حضرت امام جعفر صادق (ع) داخل شد و سلام کرد و نشست و این آیه را خواند: {الَّذِينَ يَخْتَفُونَ كِبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ} ۱۳ آن‌گاه ساکت شد. حضرت به او فرمود که چرا ساکت شدی؟ عرض کرد که می‌خواهم گناهان کبیره را از کتاب خدای عزّوجلّ بشناسم. حضرت فرمود بلی. ای عمرو بزرگترین کبیره شرک است به خدا و خدا در قرآن فرموده است هرکه شرک آورد خدا حرام می‌کند بر او بهشت را و بعد از شرک یأس از رحمت خدا است زیرا که خدای عزّوجلّ فرموده است: مایوس نمی‌شود از رحمت خدا مگر قوم کافران و بعد از آن، ایمن شدن است از امتحان و عذاب خدا زیرا که خدای عزّوجلّ فرموده است که ایمن نمی‌شود از مکر خدا مگر قوم زیانکاران و دیگر از گناهان کبیره است عقوبت والدین زیرا که خداوند سبحانه در قرآن عاق را جبار شقی قرار داد و دیگر قتل نفس است که حرام باشد زیرا که خدای عزّوجلّ فرموده است که جزای کشنده، جهنّم است که همیشه در آن خواهد ماند و دیگر قُذْفُ مُخَضَّنَةٍ است زیرا که خدای عزّوجلّ در شأن ایشان فرمود که لعنت کرده شدند در دنیا و آخرت و از برای ایشان است عذاب عظیم و دیگر خوردن مال یتیم است زیرا که خدای عزّوجلّ در شأن ایشان فرموده است که می‌خورند در شکم‌های خود آتش را و زود است که می‌رسند به آتش افروخته و دیگر از کبیره است گریختن از جهاد واجب زیرا که خدای عزّوجلّ در شأن ایشان فرموده است که خریدند غضب خدا را و مأوای ایشان جهنّم است و آن بدبازگشتنی است و دیگر خوردن ربا است زیرا که خدای عزّوجلّ در شأن ایشان فرموده است که ایستادن ایشان مثل ایستادن کسی است که شیطان او را مخبوط ۱۴ کرده باشد از متنی کردن. دیگر از کبیره سحر است زیرا که خدای عزّوجلّ در شأن ایشان فرموده است که در آخرت از برای ایشان چیزی از خلاق نیست یعنی بهره از رحمت نیست. دیگر زنا است زیرا که خدای عزّوجلّ در شأن زانی فرموده است که هرکه زنا کند ملاقات کند «اثاماً» را و آن رودخانه‌ایست از مس گداخته و مضاعف می‌شود از برای او عذاب در روز قیامت و خاری او همیشه خواهد بود. دیگر قسم دروغ است که خدای عزّوجلّ در شأن ایشان فرموده است که به عهد و ایمان می‌خرند قیمت کمی را و در آخرت از برای ایشان نصیبی از رحمت الهی نیست. دیگر از کبیره خیانت است زیرا که خدای عزّوجلّ فرموده است، هرکه خیانت کند، روز قیامت غل کرده محشور خواهد شد. دیگر منع زکات واجب است زیرا که حق تعالی در شأن ایشان فرموده است که به آن گنج‌ها داغ می‌کنند پشت‌ها و روی‌های ایشان را و دیگر شهادت زور است و کتمان شهادت کردن است زیرا که خدای عزّوجلّ فرموده

است هرکه شهادت را ببوشاند دل او گناهکار است و دیگر شرب خمر است زیرا که خدای عزوجل از آن نهی فرموده است چنانکه از بت پرستی نهی کرده است و دیگر ترک کردن نماز است از روی عمد یا چیزی که خدا واجب کرده باشد زیرا که رسول خدا(ص) فرموده است هرکه نماز را عمدتاً ترک کند بری است از ذمه خدا و ذمه رسول(ص) و دیگر شکستن عهد است و قطع کردن رحم که خدای عزوجل در باب این طایفه فرموده است که از برای ایشان است لعنت و از برای ایشان است سوء دار که آن جهنم است. پس عمرو فریادکنان بیرون رفت و گفت هلاک شد هرکه برای خود سخن گفت و با شما اهل بیت در فضل و علم نزاع کرد.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است از ابوبصیر که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق(ع) که می فرمود کبائر هفت است: قتل نفس است از روی عمد و شرک است به خداوند عظیم و قذف مُحْصَنه است و خوردن ربا است بعد از بیته و گریختن است از جهاد واجب و تعزب بعد از هجرت و عقوب والدین و خوردن مال یتیم از روی ظلم و تعزب و شرک یکی اند.

و در روایت دیگر از آن حضرت مذکور است که تعزب آن است که پدری فرزند خود را ندا کند و فرزند در آن وقت پدر خود را لعن کند یا آنکه پدر پسر خود را ندا کند و پسر او جواب گوید و اجابت او کند و با آن پدر او را بزند.

و ایضاً به سند معتبر از ابن فضال روایت کرده است که گفت حضرت امام جعفر صادق(ع) فرمود که مرد گناه می کند و از نماز شب محروم می گردد. به درستی که عمل بد در صاحب خود تندتر اثر می کند از کاردی که در گوشت فرو رود.

و از ابن بُکَیر روایت کرده است که گفت حضرت امام جعفر صادق(ع) فرمود هرکه قصد گناهی کند باید آن گناه را نکند، به درستی که بنده مرتکب گناه می گردد رب تبارک و تعالی می فرماید قسم به عزت و جلال خودم که دیگر هرگز تو را نمی آمرزم.

۳. توبه و شرط آن

ابن بابویه(رضی اله) به سند معتبر از جابر روایت کرده است که گفت حضرت امام محمد باقر(ع) فرموده است وقتی که حق تعالی بنده ای را دوست داشته باشد به سوی او نظر فرماید. پس وقتی که نظر فرماید به او عطا فرماید تحفه یکی از سه چیز: یا درد سریا تب یا درد چشم.

و ایضاً روایت کرده است از حضرت امیرالمؤمنین(ع) که آن جناب گفت که رسول خدا(ص) است که سیر عقل بعد از ایمان به خدای عزوجل دوستی کردن است با مردم.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق(ع) فرموده است که پرهیزکارترین مردم کسیست که نزد شبهه بایستد و به آن داخل نگردد و عابدترین مردم کسیست که فرایض و واجبات الهی را به پا دارد و زاهدترین مردم کسیست که حرام را ترک نماید و شدیدترین مردم در اجتهاد و بندگی کسیست که گناهان را ترک نماید.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است که حضرت امام محمد باقر(ع) فرموده است که کافیسست پشیمانی از برای توبه.

و ایضاً به سند معتبر از ابو عوف عجلی روایت کرده است که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق(ع) که می فرمود: دست شستن پیش از طعام و بعد از طعام روزی را زیاد می کند.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است که رسول خدا(ص) فرموده است که خیر بسیار است و کننده خیر کم است.

و ایضاً روایت کرده است که آن حضرت فرموده است حُسن خلق نصف دین است.

و ایضاً از آن جناب روایت کرده است که آن جناب فرموده است که در انسان پارچه گوشتی است که اگر آن سالم باشد آدمی سالم است و اگر آن فاسد باشد آدمی فاسد است و آن دل آدمی است.

و ایضاً به سند معتبر از محمد بن مروان روایت کرده است که گفت حضرت امام جعفر صادق(ع) فرموده است که شستن ظرفها و جاروب کردن حیات خانه ها روزی را زیاد می کند.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است که رسول خدا(ص) فرموده است که والدین عاق فرزند می کردند چنانکه فرزند عاق والدین می گردد، اگر فرزند صالح باشد.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است که مردی به خدمت رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد یا رسول الله چیزی تعلیم من نما که من آن را بکنم خدا مرا در آسمان، و خلق مرا در زمین دوست داشته باشند؟ حضرت به او فرمود که رغبت نما به آنچه نزد خدا است، خدا تو را دوست خواهد داشت و زهد اختیار کن به آنچه که نزد مردم است تا آنکه مردم تو را دوست داشته باشند.

و ایضاً به سند معتبر از ابوبصیر روایت کرده است که گفت حضرت امام جعفر صادق(ع) فرموده است که اصول کفر و ریشه آن سه چیز است: حرص و کبر و حسد. اما حرص پس آن است که حق تعالی آدم(ع) را نهی کرد از درخت گندم و حرص او را بر آن داشت تا آنکه از آن خورد و اما استکبار پس آن است که حق تعالی شیطان را امر کرده است که سجده کند. پس او ابا کرده است و اما حسد پس آن است که دو پسر آدم، قابیل هابیل را کشت.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است از حضرت امام موسی کاظم (ع) که فرموده است رسول خدا (ص) لعن کرده است سه کس را: کسی را که تنها چیز خورد، کسی تنها سفر کند و کسی تنها در خانه بخوابد.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است از حضرت امام زین العابدین (ع) که گفت حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده است که از برای مُسرف سه علامت است: می خورد آنچه را که از برای او نیست و می پوشد آنچه را که از برای او نیست و می خرد آنچه را که از برای او نیست.

۴. عالم بی عمل

و حضرت عیسی بن مریم (ع) فرموده است که دنیا درد دین است و عالم طیب دین است. وقتی که ببینید که طیب درد را به سوی خود می کشد او را مَتَّهِم دانید و بدانید که او ناصح و خیرخواه دیگری نیست زیرا که خود دین خود را فاسد می کند.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده است که از برای هر مرد مسلمان سه دوست و خلیل است: یک خلیلی هست که به او می گوید که من با تو هستم در حال حیات و بعد از موت تو و آن خلیل عمل اوست و خلیل دیگر هست به او می گوید که من با تو هستم تا لب قبر تو و بعد از آن تو را وامی گذارم و آن فرزند اوست و خلیل دیگر هست با او هست و می گوید که من با تو هستم تا وقت مردن تو، پس وقتی که بمیرد از برای وارث خواهد بود.

و ایضاً به سند معتبر از حفص بن غیاث نخعی روایت کرده است که گفت حضرت امام جعفر صادق (ع) فرموده است به درستی که من امید دارم نجات را برای این اامت از برای هریک ایشان که حق ما را بشناسد مگر برای سه کس. کسی که مصاحب و ملازم سلطان جائز باشد و کسی که متابعت هوا و خواهش نفس خود عمل کند و کسی که فاسق باشد و علانیه فسق نماید.

و ایضاً به سند معتبر از زهری روایت کرده است که گفت حضرت امام زین العابدین (ع) فرموده است که شدیدترین ساعات بر فرزند آدم ساعتی است که ملک الموت را معاینه می بیند و ساعتی که از قبر برمی خیزد برای قیامت و ساعتی که در حضور خدای عزوجل می ایستد یا به سوی جنت می رود یا به سوی آتش. پس فرمود که ای فرزند آدم اگر نجات یابی وقت مرگ پس تو تویی و اگر نه هلاک شدی. و اگر نجات یابی وقتی که تو را در قبر گذارند، پس تو، تویی و اگر نه که هلاک شدی. و اگر نجات یابی وقتی که مردم را بر صراط امر نمایند پس تو، تویی و اگر نه که هلاک شدی. و اگر نجات یابی وقتی که مردم برخیزند برای رب العالمین پس تو، تویی و اگر نه که هلاک شدی. پس تلاوت نمود: {وَمَنْ وَرَآهُمْ بَزَزْ حُ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ} ۱۵۴ و فرمود مراد از این برزخ، قبر است و از برای ایشان در آن قبر معیشت تنگی هست. والله که قبر هرآینه روضه ای از روضه های بهشت است یا گودالی از گودال های جهنم است. پس آن حضرت رو کرد به سوی مردی از هم نشینان خود و فرمود به تحقیق که اهل آسمان دانستند اهل بهشت را از آتش. پس تو کدام یک از آن دو مردی؟ و کدام یک از آن دو خانه، خانه تو است؟

و ایضاً به سند معتبر از عبدالله بن سنان روایت کرده است که گفت از حضرت امام جعفر صادق (ع) شنیدم که می فرمود رسول خدا (ص) فرموده است که حق جل جلاله فرموده است که من دنیا را به بندگان خود دادم و آن را از ایشان به قرض خواستم. پس هرکه از ایشان که به من قرض دهد من عوض یکی را به ده تا هفتصد و زیاده بر آن عوض دهم و هرکه از ایشان که به قرض ندهد من آن را از ایشان پس می گیرم و هرگاه در آن گرفتن صبر نمایند سه خصلت به ایشان عطا کنم که اگر یکی از آن ها را به همه ملائکه خود بدهم هرآینه از من راضی گردند و آن سه خصلت صلوات و هدایت و رحمت است چنان که فرموده است: {الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ} ۱۶ تا آخر.

و ایضاً به سند معتبر از حاتم روایت کرده است که گفت حضرت امام جعفر صادق (ع) فرموده است که معروف و احسان صلاحیت ندارد مگر به سه خصلت: اول آنکه آن احسان را کوچک شماری دوم آنکه آن را پنهان داری سوم آنکه تعجیل نمایی آن را در کردن؛ زیرا که، وقتی که آن را کوچک شماری عظیم شمردی آن کسی را که آن احسان را به او نمودی و وقتی که آن را ستر نمایی آن اکرام را تمام کرده و وقتی که تعجیل نمایی آن را سهل شمرده و اگر این سه خصلت را در آن به کار نبری آن نیکی را ضایع و باطل کرده ای.

و ایضاً به سند معتبر از ابوبصیر روایت کرده است که گفت حضرت امام محمد باقر (ع) فرمود که عطاکنندگان سه کس اند: الله جل جلاله و صاحب مالی که مال خود را عطا کند و سعی کننده و واسطه که سعی کند برای صاحب حاجت و آن ساعی نیز مُعْطَى است.

۵. پنهان بودن شرک به خدا

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است از میمون قذاح که گفت حضرت امام جعفر صادق (ع) از پدران بزرگوار خود از رسول خدا (ص) روایت کرده است که آن جناب فرموده است که هر معروف و نیکی صدقه است و هر دلالت کننده بر خیر مثل فاعل و

کننده خیر است و خداوند عالم دوست دارد فریادرسی ضعیفان را و آن کسی است که مظلوم و مضطر باشد. و ایضاً به سند معتبر از ابو حمزه ثمالی روایت کرده است که گفت حضرت امام محمد باقر (ع) فرموده است که حق تبارک و تعالی می‌فرماید که ای فرزند آدم من انعام کردم به تو به سه چیز: ستر کردم از تو چیزی را که اگر اهل و نزدیکان تو آن را می‌دیدند آن را از تو نمی‌پوشانیدند و وسعت و مال به تو عطا کردم و قدری از آن را از تو به قرض خواستم تو آن را مضایقه نمودی و خیری برای خود پیش نفرستادی و برای تو مهلت دادم تا وقت موت که ثلث و سه یک مال خود را برای خود وصیت نمایی تو آن را نیز به جا نیاوردی.

و ایضاً به سند معتبر از عباس بن یزید روایت کرده است که گفت به خدمت حضرت امام جعفر صادق (ع) عرض کردم که این گروه عوام گمان می‌کنند که شرک خفی‌تر است از حرکت مورچه‌ای که در شب تار یک بر روی مسح سیاه ۱۷ حرکت کند. حضرت فرمود که، بنده مشرک نمی‌گردد تا آنکه نماز را برای غیر خدا به جا آورد یا آنکه ذبایح و حیواناتی که می‌کشد آن را به غیر نام خدا ذبح نماید یا آنکه غیر خدا را بخواند و عبادت کند.

و ایضاً به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق (ع) از پدران بزرگوار آن حضرت روایت کرده است که رسول خدا (ص) فرموده است که هر که امر کند به معروف و نهی نماید از منکر یا آنکه دلالت کند بر خیری یا اشاره به آن نماید، پس آن کس شریک آن صاحب کار خیر است و هر که امر کند به امر بدی یا دلالت کند بر آن یا اشاره به آن نماید پس آن کس شریک صاحب کار شر است.

و ایضاً به سند معتبر از حضرت صادق (ع) روایت کرده است که گفت رسول خدا (ص) فرموده است که زمین ناله نکرده است به سوی پروردگار خود مانند ناله کردن از سه چیز: از خون حرامی که بر آن ریخته شود و از غسلی که از زنا کرده می‌شود و از خواب کسی که پیش از طلوع آفتاب بر آن بخوابد.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است که حضرت امام موسی کاظم (ع) فرموده است که سه کس اند که در سایه عرش الهی خواهند بود در روزی که سایه‌ای غیر آن سایه نباشد: مردی که برادر مسلم خود را تزویج نماید و مردی که برادر دینی خود را خدمت کند و مردی که سر و راز برادر خود را پنهان دارد و فاش نکند.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است که رسول خدا (ص) فرموده است که من ضامنم خانه‌ای در پایین بهشت و خانه‌ای در وسط بهشت و خانه‌ای در اعلا بهشت از برای کسی که ترک کند جدال را هر چند که مُحَقِّق باشد و از برای کسی که ترک کند دروغ را هر چند که بر وجه مزاح باشد و از برای کسی که خُلق او نیکو باشد.

و ایضاً به سند معتبر از ابوسعید خدری ۱۹ رضی الله عنه روایت کرده است که گفت رسول خدا (ص) فرموده است که از برای خدای عز و جل سه حرمت است هر که آن‌ها را حفظ کند خداوند عالم امر دین و دنیای او را حفظ کند و هر که آن‌ها را حفظ نکند خدا حفظ نکند از برای او هیچ خیری را. آن سه چیز حرمت اسلام است و حرمت من است و حرمت عترت و اهل بیت من است.

۶. شناخت ملائکه و اجنه

و ایضاً به سند معتبر از هشام بن حکم روایت کرده است که گفت حضرت امام جعفر صادق (ع) فرموده است هر که مالی از غیر حلال کسب کند خداوند عالم مسلط گرداند بر آن مال بنایی را که آن را صرف آب و گل نماید.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است که رسول خدا (ص) فرموده است هر که صبح کند در حالتی که بدن او صحیح باشد و تشویشی از دشمن نداشته باشد و قوت آن روز نزد او باشد، پس خیر دنیا برای او جمع شده است. آن‌گاه به راوی فرمود هرگاه بیایی چیزی که سد گرسنگی خود نمایی و بیایی چیزی که عورت خود را به آن بپوشی، پس اگر خانه‌ای داشته باشی که تو را از مردم ستر نماید آن بسیار نیکوست و اگر دایه‌ای ۲۰ داشته باشی که بر آن سوار گردی پس ۲۱ چه بسیار نیکوست و خیر است چه خیر و هر چه بعد از این‌ها است پس بر آن حساب است بر تو یا عذاب است بر تو.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است که رسول خدا (ص) به علی (ع) فرموده است که یا علی خدای عز و جل بر دنیا مُشرف شد، پس مرا بر مردان عالمیان اختیار کرد. پس در مرتبه دوم بر آن مشرف شد، تو را بر مردان عالمیان اختیار کرد و مرتبه سوم بر آن مطلع شد، امامان از فرزندان تو را بر مردان عالمیان اختیار کرد و مرتبه چهارم بر آن مطلع شد، فاطمه را بر زنان عالمیان اختیار کرد.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده است که خدای تبارک و تعالی چهار چیز را در ضمن چهار چیز پنهان کرده است: رضای خود را در ضمن طاعت خود پنهان کرد، پس چیزی از طاعت‌ها را کوچک نشمارید. گاه است که آن طاعت موافق رضای او باشد و به کردن آن کار به رضای الهی برسید و تو نمی‌دانی و خشم خود را در ضمن معصیت خود

پنهان کرد، پس چیزی از معصیت او را کوچک نشمارید. گاه است که به کردن آن کار مستحق خشم الهی گردی و اجابت را در ضمن دعا پنهان کرد، پس چیزی از دعا را کوچک نشمارید، گاه است آن دعا مستجاب گردد و دوست خود را در میان بندگان خود پنهان کرد، پس هیچ بنده‌ای از بندگان ۲۲ خدا را کوچک نشمارید گاه است که آن کس دوست خدا باشد و تو ندانسته باشی. و ایضاً به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق (ع) از پدران بزرگوار او از علی (ع) روایت کرده است که رسول خدا (ص) فرموده است که در طعام وقتی که چهار خصلت مجتمع گردد تمام آن نعمت. اول آن است که آن حلال باشد دوم دست خورندگان که بر بالای سفره جمع شده باشد بسیار باشد سوم آن است که بسم الله در اول آن بگوید و چهارم آن است که در آخر آن خدا را حمد کند.

و ایضاً به سند معتبر از اصبع بن نباته روایت کرده است از حضرت امیرالمؤمنین (ع) که گفت آن حضرت فرموده است که حق تبارک و تعالی به حضرت موسی (ع) فرمود که ای موسی حفظ کن وصیت مرا در چهار چیز که آن‌ها به تو فایده دارد. اول آن‌ها آن است مادامی که ندانی گناهان تو آموخته شده است به عیب دیگران مشغول مشو و دوم آن است مادامی که ندانی که گنج‌های من تمام نشده است برای روزی خود غصه مخور و سوم آن است مادامی که ندانی شیطان مرده است از مکر او ایمن مباش.

و ایضاً به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت کرده است که گفت حضرت رسول (ص) فرموده است که چهار چیز است که آن‌ها در هر که باشد در نور اعظم خدا خواهد بود: اول آن است که اعتقاد به وحدانیت خدا و رسالت من داشته باشد دوم آن است وقتی که مصیبتی به او برسد بگوید «اِذَا لَلَّهِ وَ اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» سوم آن است وقتی که خیری به او رسد می‌گوید «الحمد لله رب العالمین» چهارم وقتی که گناهی کند می‌گوید «استغفر الله ربی و اتوب الیه».

۷. خانه در بهشت

و ایضاً به سند معتبر از معاویه بن وهب روایت کرده است که گفت حضرت امام جعفر صادق (ع) فرموده است که هر که ضامن شود برای من چهار چیز را من ضامن می‌گردم برای او چهار خانه را در بهشت. کسی که اتفاق کند و از فقر ترسد و انصاف نماید از برای مردم بر نفس خود و سلام را فاش نماید در میان خلق و جدال را دست بردارد، هر چند که مُحَقِّق باشد.

و ایضاً به سند معتبر از اصبع بن نباته روایت کرده است که گفت حضرت امیرالمؤمنین (ع) به فرزند بزرگوار خود امام حسن (ع) فرمود که آیا تو را تعلیم نکنم چهار خصلت که با آن‌ها مستغنی گردی از طب؟ عرض کرد که بلی یا امیرالمؤمنین تعلیم نما. فرمود که: چیز نخوری مگر وقتی که گرسنه گردی و هنوز از اشتهای تو باقیست دست از خوردن برداری و سوم آن است که لقمه را بسیا بجوی و چهارم آن است که وقت خوابیدن خود را بر خلا ۲۳ عرض کنی. پس وقتی که چنین کنی از طب بی‌نیاز گردی.

و ایضاً به سند معتبر از شماعه روایت کرده است که گفت حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمود که ای شماعه مؤمن از چهار خصلت خالی نمی‌باشد. از همسایه که او را آزار کند و از شیطانی که او را گمراه کند و از منافقی که تجسس عیوب او نماید و از مؤمنی که حسد او را برد. پس فرمود که ای شماعه این آخری از همه آن‌ها بدتر است. عرض کردم که چگونه این بدتر است؟ فرمود برای آنکه او هر چه می‌گوید مردم تصدیق او می‌نمایند برای ایمان او.

ایضاً به سند معتبر روایت کرده است که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده است که چهار چیز است که اگر یکی از آن چهار چیز در هر خانه که داخل گردد، آن خانه را خراب کند و دیگر به آبادی بر نمی‌گردد و آن خیانت است و دزدی و شرب خمر و زنا.

و ایضاً به سند معتبر از محمد بن مسلم ثقفی روایت کرده است که گفت حضرت امام محمد باقر (ع) در تفسیر قول حق تعالی که می‌فرماید: {وَ كَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا} ۲۴ فرموده است والله که آن گنج، طلا و نقره نبوده است و نبوده است مگر لوحی که در آن لوح این چهار کلمه بوده است. منم خداوندی که خدایی غیر من نیست و محمد (ص)، رسول من است و عجب دارم از کسی که یقین دارد بر مرگ، چگونه شاد می‌شود و عجب دارم از کسی که یقین دارد به قدر، چگونه گمان دارد که روزی او به او دیر رسیده است و عجب دارم از کسی که این نشئه ۲۵ و زندگانی دنیا را می‌بیند چگونه زندگی آخرت را انکار می‌کند.

و ایضاً به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق (ع) و از پدران بزرگوار او (س) از علی (ع) روایت کرده است که گفت رسول خدا (ص) فرمود که یا علی چهار خصلت از شقاوت است. ۲۶ خشکی چشم و قساوت دل و آرزوی دور دراز و دوست داشتن بقا. و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است که حضرت امام محمد باقر (ع) فرموده است که چهار چیز است که ماکسه در آن‌ها نمی‌کنند. قیمت قربانی و قیمت کفن و قیمت غلام و کنیز و کرایه مال برای راه مگه.

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است از حریر که گفت به خدمت حضرت امام جعفر صادق (ع) عرض کردم که از برای کی مرد را

جبر می‌کنند که نفقه به او دهد؟ فرمود که از برای پدر و مادر و از برای فرزندان و از برای زوجه. و ایضاً از آن حضرت مرویست که فرمود چهار چیز است که طبیعت و مزاج آدمی را صحیح و معتدل می‌گرداند: انار میخوش و خلال مطبوخ و بنفشه و کاسنی.

۸. نهرهای بهشت

ابن بابویه (رضی‌الله) به سند معتبر از ابوسالم راعی از رسول خدا (ص) روایت کرده است که آن حضرت فرموده است که پنج چیز است که در ترازوی اعمال از همه چیز سنگین‌تر است. چهار آن این کلمات مبارکه است «سیحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر». پنجمی آن فرزند صالح است که بمیرد و مرد مسلمان بر آن مصیبت صبر می‌کند برای آنکه خدا به او اجر دهد. و ایضاً به سند معتبر از محمّد بن مسلم روایت کرده است که گفت حضرت امام محمّد باقر (ع) فرموده است که رسول خدا (ص) را سؤال کردند از بهترین بندگان؟ فرمود که بهترین بندگان آن‌ها ایند وقتی که نیکی کنند شاد گردند و وقتی که بدی کنند استغفار نمایند. وقتی که نعمتی که به ایشان رسد شکر می‌کنند وقتی که به بلایی مبتلا گردند صبر نمایند و وقتی که به خشم آیند عفو نمایند.

ابن بابویه (رضی‌الله) به سند معتبر از هیثم بن کهمش روایت کرده است که گفت حضرت امام جعفر صادق (ع) فرموده است که شش خصلت است که مؤمن بعد از مرگ خود به آن‌ها منتفع می‌شود. فرزند صالحی که از برای او استغفار کند و قرآنی که آن را بخوانند. چاه آب یا چشمه: آبی است که کسی آن را بیرون آورد و درخت است که کسی آن را غرس نماید و صدقه جاریه است که بعد از خود گذاشته باشد و ستّ نیکو است از علم یا غیر آن، که بنا گذاشته است مردم بعد از آن عمل نمایند. و ایضاً به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق (ع) از پدران بزرگوار خود از علی بن ابی‌طالب (ع) روایت کرده است که گفت رسول خدا (ص) فرموده است که چون داخل بهشت شدیم که بر در بهشت این کلمات را به طلا نوشته بودند، یعنی این کلمات شش‌گانه را. «لا اله الا الله، محمّد حبیب الله، علی ولی الله، فاطمة امة الله، الحسن و الحسين صفوة الله، علی مبغضهم لعنة الله» یعنی نیست خدای مگر خداوند یگانه، محمّد حبیب خداست و علی ولی خداست و فاطمه کنیز خداست. حسن و حسین دو برگزیده خدایند. بر دشمن ایشان باد لعنت خدا.

و ایضاً به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق (ع) از پدران بزرگوار او از علی (ع) روایت کرده است که گفت حضرت رسول الله (ص) فرموده است که احتکار در شش چیز است: در گندم و در جو و در خرما و در مویز و در روغن و در زیت ۲۷. و ایضاً به سند معتبر از عبدالله بن سنان روایت کرده است که گفت حضرت امام صادق (ع) فرموده است که رسول خدا (ص) در هر روز از شش خصلت به خدا پناه می‌برد: از شک و از شرک و از حمیت و از غضب و از بغی و از حسد.

۹. فضیلت سورۀ توحید و سورۀ کافرون

و ایضاً به سند معتبر روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق (ع) به معاذ بن مسلم فرموده است که ترک مکن خواندن «قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون» را در هفت موضع. در نافله صبح و در اول نافله زوال و در دو رکعت اول نافله مغرب و در دو رکعت اول نافله شب و در دو رکعت نماز احرام و در نماز صبح و در دو رکعت نماز طواف.

ابن بابویه (رضی‌الله) به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت کرده است که گفت رسول خدا (ص) فرموده است که هشت کس اند که نماز ایشان مقبول نیست: غلامی که از آقای خود گریخته باشد نماز او مقبول نیست تا آنکه به سوی آقای خود برگردد و زن ناشزه که نافرمانی شوهر خود نماید و شوهر بر او خشمناک باشد نماز آن زن مقبول نیست تا آنکه شوهر او از او راضی گردد و مانع زکاتی که زکات را منع نماید و کسی که وضو را ترک نماید و دختری که به حدّ تکلیف رسیده باشد و با این، موی خود را در نماز نپوشاند و پیش نماز قومی که آن‌ها از پیش نمازی او راضی نباشند و زنین نماز او مقبول نیست. عرض کردند یا رسول الله زنین کیست؟ فرمود که آن کسی است که بول یا غایط داشته باشد و با آن حالت مشغول نماز گردد پیش از آنکه خود را از آن‌ها فارغ گرداند و کسی که مست باشد یعنی به مسکری.

و صاحب کتاب فرج الکرب از علمای ما در کتاب فرج الکرب از میسر روایت کرده است که گفت من و علقمه حضرمی و ابوحسان عجلّی و عبدالله بن عجلان در دولت سرای حضرت امام محمد باقر (ع) بودیم و انتظار بیرون آمدن آن جناب می‌بردیم. پس حضرت به سوی ما بیرون آمد و فرمود که مرحباً و اهلاً والله که من دوست دارم بوی شما را و روح شما را. به درستی که شما بر دین خدایید. پس علقمه به خدمت آن جناب عرض کرد که هرکه بر دین خدا باشد تو گواهی می‌دهی که او از اهل بهشت است؟ آن حضرت اندکی مکث نمود، آن‌گاه فرمود هلاک مکنید نفس‌های خود را اگر اجتناب از کبائر نکنید. و از کبائر دوری کنید

من گواهی می‌دهم به آنچه که گفتم. پس ما عرض کردیم که چه چیز است کبائر؟ فرمود که شرک آوردن است به خداوند عظیم و خوردن مال یتیم است و نسبت دادن زنا است به زنان محصنه یعنی زنی که شوهر دارد و عاقل والدین گردیدن و کشتن کسی را به ناحق و ربا گرفتن و گریختن از جهاد واجب. راوی عرض کرد که احدی از ما این گناهان را به‌جا نیاورده‌ایم. حضرت فرمود پس شما از ناجیانید و اطاعت خود را خالص گردانید از برای خدا و از برای مردم نگردانید. به‌درستی که آنچه از برای مردم است مزد آن مردم است یعنی خداوند عالم برای آن کار مزد نمی‌دهد و آنچه از برای خداست خدا به آن مزد می‌دهد و با مردم مخاصمه نکنید، به‌درستی که خصومت سبب مرض دل است و حق تعالی به پیغمبر خود (ص) فرموده است که تو هدایت نمی‌توانی کرد کسی را که دوست داشته باشی و فرموده است به او که تو اکراه می‌کنی مردم را تا آنکه ایمان آورند.

قد تم الكتاب بعون الملك الوهاب بيد الحقير الفقير ابن شيخ محمد ارومی الاصل ساکن فی کربلاء فی یوم الثلثا فی شهر رجب المرجب سنة ۱۲۳۵ م م

پی‌نوشت

- ۱- جنگ‌های سفین و نهروان نیز همراه امام علی(ع) بود. مورخان بر فقاقت ابوسعید تأکید کرده و رجال‌شناسان شیعه، وی را ستوده‌اند. بیشتر منابع تاریخی وفات وی را در ۷۴ ق ضبط کرده‌اند؛ ولی برخی نیز آن را یک سال بعد از واقعه حزه، در ۶۴ ق گفته‌اند. محل دفن وی چنان‌که در برخی منابع تصریح گردیده در مدینه و قبرستان بقیع است.
- ۲- نسخه: دابه.
- ۳- نسخه: + په په که.
- ۴- نسخه: بنده‌گان.
- ۵- مقصود «بیت الخلاء» برای رفع قضای حاجت است.
- ۶- کشف: ۸۲/۱۸.
- ۷- نسخه: نشاء.
- ۸- نسخه: است.
- ۹- زیت: روغن زیتون.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. الخصال. محقق و مصحح: علی‌اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین، ج اول، ۱۳۶۲ ش.
۳. انوری، حسن. فرهنگ بزرگ سخن، تهران: نشر سخن، چ دوم، ۱۳۸۲ ش.
۴. بابایی، رضا. بهتر بنویسیم: درس‌نامه درست‌نویسی ساده‌نویسی و زبان‌نویسی. قم: نشر ادیان (وابسته به دانشگاه ادیان و مذاهب)، چ سوم، ۱۳۹۴.
۵. باقری، محمدمهدی. آواچه‌های صوتی ویرایش.
۶. پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۷. رضوان، فرشاد. راهنمای ویرایش و نگارش. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ سوم، ۱۳۹۵.
۸. صفری، علی‌اکبر. جشن‌نامه آیت‌الله رضا استادی، «فهرست خودنوشت ملا محمداکظم هزارجریبی»، به کوشش: رسول جعفریان. قم: نشر موزخ با همکاری کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، چ اول، ۱۳۹۳، ص ۹۰۷-۹۱۹.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

- ۱- علی‌اکبر صفری، جشن‌نامه آیت‌الله رضا استادی، «فهرست خودنوشت ملا محمداکظم هزارجریبی»، ص ۹۰۷-۹۱۹.
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۳. همان‌جا.
۴. رضا بابایی، بهتر بنویسیم: درس‌نامه درست‌نویسی ساده‌نویسی و زبان‌نویسی، ص ۹۶.
- ۵- «حالش» مسندآلیه و نهاد و «خوب» مسند و گزاره است. محمدمهدی باقری، آواچه‌های صوتی ویرایش.
۶. فرشاد رضوان، راهنمای ویرایش و نگارش، ص ۲۳؛ محمدمهدی باقری، آواچه‌های صوتی ویرایش.
۷. اشاره است به آیه {خَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ} (زمر: ۳۹/۳۸).
۸. نسخه: نکتہ.
۹. مطفیفین: ۱۴/۸۳.
۱۰. شبیخون: تاختن به‌شب هنگام بر دشمن.
- ۱۱- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِزْهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْخَمِيدِ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ سَطَوَاتِ اللَّهِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ قَالَ قُلْتُ لَهُ وَ مَا سَطَوَاتُ اللَّهِ قَالَ الْأَخَذُ عَلَى الْمَغَاصِي. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۶۹.
۱۲. سَطَوَات: حمله. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۴۱۸۴.
- ۱۳- نجم: ۳۲/۵۳.
- ۱۴- خِط: لغزش. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۴، ص ۲۶۸۱.
- ۱۵- مؤمنون: ۱۰/۲۳.
- ۱۶- بقره: ۱۵۳/۲.
- ۱۷- مقصود «سنگ سیاه» است.
- ۱۸- «بر آن» یعنی «بر زمین».
- ۱۹- سعد بن مالک بن سنان) ۱۰ پیش از هجرت -۶۱۲/ق (۶۹۳ م)، معروف به ابوسعید خدری، راوی و صحابی پیامبر اکرم(ص)، از یاران امام علی(ع) و بزرگان انصار. او از راویان حدیث غدیر است. پدر ابوسعید نیز از اصحاب پیامبر(ص) بود. وی در غزوات مختلف پیامبر(ص) شرکت کرد و در